

عبور از اقتضایی اندیشی

تحولات در شعام به چه معناست و چگونه موثر خواهد بود؟



جلال دهقانی فیروزآبادی

استاد دانشگاه علامه طباطبائی

تغییرات ساختاری و کارگزاری درون سیستمی در شورای عالی امنیت ملی حاکی از تحول «در» و نه «از» گفتمان امنیتی جمهوری اسلامی ایران است. تاسیس یا احیای شورای دفاع و دبیری دکتر علی لاریجانی در شعام با هدف باز تعریف، تقویت و تحکیم گفتمان امنیتی مستقر انجام شده است. هدف کارآمدی، روزآمدی و اثربخشی بیشتر این گفتمان در شرایط متحول داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق بازبینی و بازآرایی ساختاری و کارگزاری است. ازاین‌رو، این تغییر و تحول را نمی‌توان و نباید تغییر ماهوی و بنیادین پارادایم و گفتمان امنیتی تلقی کرد. بااین حال، در چهارچوب همین تحول درون گفتمانی نیز تغییر و تحولاتی ممکن و محتمل است. به‌ویژه با حضور دکتر علی لاریجانی، از یکسو، نقش آفرینی شعام در سیاست خارجی و دیپلماسی افزایش و ارتقا خواهد یافت؛ از سوی دیگر، ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و زیست محیطی امنیت ملی در کنار بعد نظامی آن تقویت خواهد شد.

به‌منظور کارآمدی، روزآمدی و نقش آفرینی بهینه‌و بیشینه‌شعام در راهبری، سیاستگذاری و هماهنگی امنیتی دفاعی این موارد را می‌توان پیشنهاد داد:

بازگشت به تعادل

چرا تغییر در شورای عالی امنیت ملی سرنوشت‌ساز است؟



هانی رستگاران

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

تغییر در ترکیب شورای عالی امنیت ملی، به‌ویژه در جایگاه دبیری این نهاد کلیدی، پیام‌های متعددی را از حاکمیت مخابره می‌کند. این اتفاق در مقطع کنونی، می‌تواند سرآغاز بازتعادل در ساختار حکمرانی کشور باشد؛ تلاشی برای هماهنگی بیشتر میان سیاست، امنیت و توسعه. این شورا در سال‌های گذشته وظایف مهمی در مدیریت بحران‌ها و حفظ انسجام ملی بر عهده داشته است، اما اکنون زمان آن فرا رسیده که رویکردهای نوین‌تری نیز در تصمیم‌سازی‌ها لحاظ شود. حضور علی لاریجانی با سابقه‌ی قابل اتکا و رویکرد متعادل، به نهادهای نشاندن عقلانیت در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور کمک کند؛ عقلانیتی که در کنار اقتدار، راه را برای گفت‌وگو، توسعه و بازسازی اعتماد عمومی هموار خواهد کرد.

▼ لاریجانی؛ صدای توازن در ساخت قدرت

علی لاریجانی، بر خلاف برخی چهره‌های امنیتی دهه‌ی گذشته، همواره به‌عنوان یک عنصر معتدل، منطقی و مصلحت‌گرا شناخته شده است. او تجربه‌هایی بی‌بدیل در سطوح مختلف تصمیم‌سازی داشته؛ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دهه ۷۰، تا ریاست صداوسیما در دوره‌ای پرتنش، و پس از آن دبیری شورای عالی امنیت ملی و ریاست مجلس شورای اسلامی در دوازده سال‌ی درپی. در تمام این سال‌ها، لاریجانی نشان داده که قادر است در میان شکاف‌های سیاسی، نقش میانجی‌گر و متوازن ایفا کند. چه در تعامل با جناح‌ها، چه در ارتباط با نهادهای نظامی و چه در دیپلماسی منطقه‌ای، سبک مدیریتی او مبتنی بر گفت‌وگو، صبر، و استفاده از تجربه به‌جای تقابل مستقیم بوده است. او در مذاکرات هسته‌ای اوایل دهه ۱۳۸۰ نیز، گرچه با فشارها و چالش‌هایی مواجه شد، اما از موضع اقتدار و تعامل، مسیر مذاکره را در چارچوب منافع ملی پیش برد. مهم‌تر از آن، او هیچ‌گاه گرفتار افراط‌گرایی جناحی نشد و همواره کوشید توازن را میان دیدگاه‌های مختلف حفظ کند.

▼ نقش این تغییر در بازآرایی فضای امنیتی کشور

شورای عالی امنیت ملی، با ریاست رئیس‌جمهور و عضویت سران سه قوه و نهادهای کلیدی نظامی، امنیتی و دیپلماتیک، مهم‌ترین نهاد تصمیم‌گیر در حوزه‌های حساس کشور است. در سال‌های اخیر، این شورا در شرایط پیچیده‌ای عمل کرده است، موضوعاتی چون فشارهای تحریمی، تغییر معادلات منطقه‌ای، مسائل معیشتی و امنیت داخلی، همگی باعث شدند که تمرکز شورا بیشتر معطوف

۱. بازتعریف جایگاه و تحول نقش شعام از صرف هماهنگ‌کنندگی به سیاستگذاری راهبردی و راهبردبرداری امنیتی-دفاعی.
۲. تشکیل هیات اندیشه‌ورز و تقویت اتاق فکر راهبردی مرکب از نخبگان علمی و اجرایی جهت تحکیم و تثبیت تفکر راهبردی در شورا و افراز از اقتضایی اندیشی.
۳. تزریق فکر و ایده نو به نظام تصمیم‌سازی راهبردی از طریق جوان‌گرایی فکری مبنی بر استفاده از نیروهای فکری نواندیش.
۴. تدوین سند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در دو سطح آشکار (سیاست اعلامی) و نهان (سیاست اعمالی).
۵. تقسیم کار ملی برای اجرای اسناد راهبردی امنیت ملی و نظارت مستمر بر عملکرد کارگزاری‌ها و دستگاه‌های مختلف متولی امور مربوط.
۶. تشکیل کمیته یا ستاد هماهنگی روابط خارجی در دبیرخانه شعام.
۷. تقویت و توسعه دیپلماسی دفاعی و عمومی در دبیرخانه.
۸. مأموریت کارگزاری‌ها و دیوانسالاری‌های ذیربط به‌ویژه وزارت امور خارجه برای تدوین سند راهبردی سیاست خارجی.
۹. تعریف و ایجاد سازوکاری ارگانیک بین شعام و شورای دفاع در جهت حفظ توازن و تعادل بین آنها.
۱۰. ایجاد توازن و تعادل میان ابعاد پنج‌گانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، و زیست محیطی امنیت ملی. اجتناب از حاکمیت تعریف یک‌بعدی از امنیت بر شعام و تقلیل دفاع به بُعد نظامی صرف. اولویت امنیت نظامی به معنای نادیده گرفتن یا کم‌توجهی به سایر ابعاد امنیت ملی نیست.

به حفظ ثبات و انسجام در کوتاه‌مدت شود. اما امروز، نیاز به نگاهی آینده‌نگر و جامع‌تر در مقوله امنیت، بیش از پیش احساس می‌شود. امنیت دیگر فقط دفاع در برابر تهدیدهای خارجی یا ساماندهی اعتراضات داخلی نیست؛ بلکه مفاهیمی مانند اعتماد عمومی، سرمایه اجتماعی، تاب‌آوری اقتصادی، زیست‌پذیری شهرها، مهاجرت نخبگان و حتی مدیریت آب و محیط زیست، بخشی از منظومه‌ی جدید امنیت ملی را تشکیل می‌دهند. ورود لاریجانی به این جایگاه، می‌تواند نشانه‌ای از تلاش برای بازتعریف این نگاه جامع و راهبردی به مفهوم امنیت باشد.

▼ سرنوشت برخی اعضای فعلی چه می‌شود؟

یکی از گمانه‌هایی که پس از این تغییر مطرح شده، احتمال کاهش نقش و اثرگذاری چهره‌هایی چون سعید جلیلی در تصمیم‌سازی‌های کلان امنیتی است. جلیلی که در یک دوره حساس، مسئولیت مذاکرات هسته‌ای را برعهده داشت و به‌دلیل مواضع مشخص و چارچوب‌دارش در حوزه مقاومت فعال شناخته می‌شود، ممکن است در ترکیب جدید شورای عالی امنیت ملی، جایگاه متفاوتی بیابد. این جابه‌جایی الزاماً به معنای حذف یا تقابل نیست؛ بلکه می‌تواند نشانه‌ای از تلاش برای ایجاد توازن میان جریان‌های فکری و راهبردی در ساخت قدرت باشد. بازتعریف جایگاه‌ها در سطوح بالا، در صورت هدایت هوشمندانه، نه تنها به انسجام بیشتری می‌انجامد، بلکه از تصمیمات یک‌جانبه‌و پرهیزنده نیز جلوگیری می‌کند.

▼ تأثیرات احتمالی

با استقرار چهره‌ای چون لاریجانی، می‌توان انتظار داشت که سه‌روند محوری در شورای عالی امنیت ملی تقویت شود: ۱. امنیتی‌زدایی از مسائل اجتماعی و اقتصادی؛ پرهیز از تفسیر صرف امنیتی نسبت به مشکلات مردم و پرداختن به ریشه‌های نارضایتی اجتماعی با رویکرد علمی و کارشناسی. ۲. احیای دیپلماسی چندلایه و بازگشت به میز مذاکره؛ فعال‌سازی ظرفیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای کاهش فشارهای خارجی و تعامل سازنده با قدرت‌ها. ۳. بازتعریف رابطه نهادهای حاکمیتی با جامعه؛ توجه به سرمایه اجتماعی و شنیدن صدای افکار عمومی در فرایندهای تصمیم‌گیری راهبردی. حال باید نظاره‌گر ماند که اگر این مسیر با اصلاحات تدریجی در سطوح دیگر و مشارکت نهادهای مختلف همراه شود، نه تنها فضای سیاسی و امنیتی کشور متعادل‌تر خواهد شد، بلکه اعتماد مردم به نظام تصمیم‌سازی نیز به‌طور قابل توجه و محسوس افزایش خواهد یافت. در نهایت، سیاست و امنیت زمانی معنا می‌یابد که در خدمت آینده‌ای بهتر برای مردم قرار گیرد؛ و شاید با این تغییر، گامی در همین مسیر برداشته شده باشد.



حشمت‌الله فلاح تپیشه، رئیس اسبق کمیسیون امنیت ملی مجلس:

انتصاب لاریجانی پیام پرهیز از افراطی‌گری دارد

فرهاد فخرآبادی، خبرنگار گروه سیاست: حشمت‌الله فلاح تپیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم در گفت‌وگو با هم‌میهن، معتقد است که انتصاب علی لاریجانی به عنوان دبیر شعام، پیام توجه به مردم و پرهیز از افراطی‌گری را همراه داشته است. او می‌گوید سروصداهایی که تندروها ایجا کرده‌اند، به این علت است که منافع اولیگارش‌ی آنها به خطر افتاده و می‌خواهند از پاسخگویی فرار کنند.

«تحلیل‌تان از انتصاب علی لاریجانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی چیست؟

من معتقدم که آقای لاریجانی برای مذاکره آمده است و تجربه سابق ایشان هم این را نشان می‌دهد. البته من این را یکی از مجموعه تصمیمات دیرنگامی می‌دانم که صورت گرفته است. ایران بعد از جنگ عراق، هیچ‌وقت به‌رغم دام‌هایی که گذاشته شده بود، وارد جنگ نشد. ولی ما دیدیم که این ترک عادت شکل گرفت. در طول دو ماه مطرح شده، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی که به‌طور سنتی مسئول پرونده ایران بود، عملاً اقدام دیپلماتیک خاصی صورت نداد و کشور وارد جنگ شد. من معتقدم که جنگ قابل پیشگیری بود. الان هم آقای لاریجانی آمده از جنگ آینده پیشگیری شود. به هر حال، چنین انتصابی دو پیام داخلی و خارجی دارد. پیام به داخل این است که ما به عصر پایان افراطی‌گری نزدیک شده‌ایم. هرچند که افراطیون خیلی چیزها را با خودشان سوزاندند و الان هم که علیه مذاکره توتیت می‌زنند و یا در صداوسیما مواضع افراطی را مطرح می‌کنند، در جهت فرار از پاسخگویی است. آنها بودند که دقیقاً در سال اول سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران، سیاست‌های ضدتوسعه را شکل دادند و در سال آخر چشم‌انداز، برنامه ۲۰ ساله آنها یعنی کشاندن ایران به جنگ تکمیل شد. به اعتقاد من، نفوذ از طریق افراطیون در ایران شکل گرفت و نباید با نگاه مقطعی و موردی پدیده نفوذ را بررسی کرد. پدیده نفوذ چیزی بود که از ۲۰ سال پیش، در شروع چشم‌انداز، توسعه را فدای افراطی‌گری کرد و نهایتاً در سال پایان چشم‌انداز، کشور را دچار جنگ کرد. آقای لاریجانی، نزدیک به طیفی است که در طول این مدت نسبت به افراطی‌گری هشدار دادند، افرادی که افراطی‌گری در داخل و خارج برای این کشور سم می‌دانستند. افراطیون در این جنگ، مشخص شد که بودجه، زمان و فرصت‌های مملکت را فدای وعده‌های پوچ و عمل نشده کردند. افراطیون در حوزه‌های مختلف و در پرونده‌های مختلف، عملاً اوضاع را به گونه‌ای پیش می‌بردند که چیزی غیر از بن‌بست نبود و هیچ دیپلماتی نتوانست بر بن‌بست را بشکند. در سه پدیده اخیر مشخص بود که افراطیون کشور را به سمت جنگ می‌برند؛ اول جلوگیری از احیای برجام در سال آخر دولت روحانی؛ دوم جلوگیری از احیای برجام در سال اول دولت رئیسی و سوم وصل کردن ایران به دو جنگ اوکراین و سرزمین‌های اشغالی بعد از ۱۷ اکتبر. همه اینها، اقداماتی قابل پیش‌گیری بود ولی چون در حوزه‌های تصمیم‌گیری نفوذ داشتند و عقلانیت را از این حوزه‌ها خارج کردند، به راحتی برنامه خودشان را پیش بردند. وگرنه اگر در حوزه‌های مختلف کشور عقلانیت حاکم بود، هر کدام از این مقاطعی که اشاره کردم، می‌توانست کشور را سال‌ها از جنگ دور کند. ولی چون عملاً در یک صدایی غیر از افراطی‌گری شنیده نمی‌شد، وقتی که برای جنگ اولتیماتوم داده شد، دیپلمات‌ها در این حوزه به شدت مشکل گام برمی‌داشتند و امکان هیچ کاری را نداشتند. آقای لاریجانی نماینده افرادی است که نگاه ملایمی در سیاست دارند. انتصاب ایشان در داخل به‌نظم می‌تواند پیام توجه به مردم و پرهیز از افراطی‌گری در برابر مردم را همراه داشته باشد و در خارج به‌طور مشخص، پیام مذاکره با غرب را همراه دارد.

«به موضوع تندروها اشاره کردید. بعد از انتصاب علی لاریجانی، موج حمله‌ها از سوی تندروها علیه بحث مذاکره آغاز شده است و چهره‌های شاخص آنها در فضای مجازی مواردی را مطرح کردند. تحلیل‌تان از این موضوع چیست؟

این فریادهای بلند امروز افراطیون، برای پرهیز از پاسخگویی است. مطالبه ملت ایران، پاسخگو کردن افراطیون به خاطر کشتن فرصت‌ها و کشاندن کشور به جنگ و تحریم است. افراطیون می‌دانند، اگر کشور به آرامش برسد و ایران از فتنه جنگ خارج شود، حتماً باید پاسخگو رفتار خود باشند، پس سعی می‌کنند با چنین فتناسازی، کشور را در شرایط جنگ و فتنه قرار دهند. این واقعیت است که آنها سال‌هاست که منافع اولیگارش‌ی برای خود تعریف کرده‌اند که هیچ ربطی به منافع ملی کشور ندارد و الان آن منافع به خطر افتاده است. آنها حاضر هستند که ایران در شرایط جنگ و فتنه باقی بماند تا مردم از آنها تقاضای پاسخ نکنند. یک فضای رسانه‌ای همیشه در اختیارشان بود که متأسفانه رسانه ملی هم در خدمت آنها عمل می‌کرد و مانع از این می‌شد که کوچکترین سوالات و مباحث عقلانی مطرح شود. امیدوارم کشور بتواند از این بحران‌ها خارج شود و این جریان پاسخگو باشد. آخرین تلاش‌های آنها را هم اخیراً دیدیم، در شرایطی که ایران سعی می‌کرد با نزدیک شدن به کشورهای عربی، دچار انزوای نظامی و راهبردی نشود، ما دیدیم که از صداوسیما چه اظهاراتی مطرح شد و حتی در خاک خود عرستان، آن رفتارها را انجام دادند. اینها واقعیت‌هایی است که نمی‌توان از کنار آنها رد شد. آنچه که به‌نظم در درجه اول اهمیت قرار دارد، این است که کشور بتواند عملاً سازوکار تازه‌ای را برای پرهیز از جنگ پیدا کند. دلشش هم این است الان مواضع آمریکا و ایران در خصوص اهمیت دیپلماسی، حتی از مواضع آمریکا و اسرائیل هم به هم نزدیک‌تر است.

«می‌توان امیدوار بود که شورای عالی امنیت ملی با اضافه شدن علی لاریجانی، در مسیری گام بردارد که دیگر کشور به سمت و سوی علائق تندروها حرکت نکند و آرامش بر فضا حاکم باشد؟

آقایان پزشکیان و لاریجانی باید خودشان به افراطی‌گری پایان دهند و نفوذ روسوفیل‌ها را کاهش دهند. اگر به این سمت حرکت کنند و منافع ملی محوریت پیدا کند، امکان گذر از بحران‌ها وجود دارد.

«با توجه به حضور علی لاریجانی در ترکیب شورای عالی امنیت ملی، چه دورنمایی را می‌توان برای آینده در نظر داشت؟

ما که در مقام تصمیم‌گیری نیستیم، ولی من اعتقاد دارم که اگر آقای لاریجانی بتواند یک طرح امنیت منطقه‌ای را تعریف کند که براساس آن، کشورهای منطقه که نگران جنگ هستند، در قالب طرح‌های جامع دور هم جمع شوند، اسرائیل دچار انزوای راهبردی خواهد شد. یعنی به عبارتی، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و وزارت خارجه باید یک طرح مشترک امنیت منطقه‌ای را شکل دهند که در این طرح، دوستی و دشمنی‌های گذشته جای خود را به همکاری دهد. همه آن اختلافاتی که افراطیون در منطقه ایجاد کرده بودند را باید کنار گذاشت و بر سر یک امر، به نام امنیت و ثبات به تفاهم رسید. این طرح می‌تواند، صلح و ثبات ایران را به عنوان بخشی از صلح و ثبات در کل منطقه تامین کند. من معتقدم، چنین طرحی، آمریکا را از تانیاهاو هم دور خواهد کرد.



اعلام آمادگی مجلس در همکاری با شعام

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، در پیامی خطاب به علی لاریجانی گفت: «انتصاب ارزشمند جناب‌عالی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی از سوی ریاست محترم جمهور را تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم. جناب‌عالی به‌عنوان شخصیتی آگاه و فهیم، برخوردار از دانش و تجربه در حوزه‌های متعدد و متنوع، دارای سوابق در تراز عالی و ممتاز نظام جمهوری اسلامی می‌باشید و حضور مجددتان در این جایگاه پراهمیت و در دوره جدید نویدبخش ارتقاء امنیت ملی کشور و اقدامی موثر در راستای تحقق سیاست‌های کلی نظام در حوزه‌های متنوع امنیت ملی و گذار از چالش‌ها و تهدیدات این حوزه خواهد بود. ضمن اعلام آمادگی مجلس شورای اسلامی در همکاری با شورای عالی امنیت ملی تحت تدابیر خردمندانه و حکیمانه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، توفیق خدمت جناب مستطابان به ملت فهیم و بزرگوار ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی را از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.»

ادامه سر مقاله

با شکاف و فقدان وفاق درون‌ساختاری هیچ گام موثری برداشته نخواهد شد. باید از کلیت ساختار صدای واحدی بیرون آید. حتی اگر کسان دیگری هم در شورای عالی امنیت ملی کشور و حکومت و حتی مجلس هستند که در عرصه عمومی ساز دیگری می‌زنند، باید تکلیف آنان روشن شود. نظرات گوناگون اعضای شورا، فقط باید داخل شورا و کمیته‌های آن اظهار شود. در عرصه عمومی باید سخن رسمی واحدی از حکومت و صداوسیما صادر شود. به‌طور طبیعی، سخنان غیررسمی و کارشناسی واجد این محدودیت نیست.

شرط دوم، ارائه چهره سیاسی به‌روزشده‌ای از آقای لاریجانی برای اعتمادسازی است. ما این انتصاب را به‌صورت پیش‌فرض یک گام روبه‌جلو می‌دانیم و به‌طور قطع، از او حمایت خواهیم کرد. ولی برای داوری نهایی باید منتظر اقدامات فوری آقای لاریجانی بود. ایشان مجموعاً دارای سوابقی است که به‌طور طبیعی، اکنون و پس از پشت سر گذاشتن تجربیات جدید، نگاه‌شان تغییر کرده و این را در سال‌های اخیر نشان داده‌اند. درعین حال، نباید فراموش کنند که فرصت زیادی برای این تصویرسازی ندارند. فوری باید آغاز کنند. این انتصاب واجد معنای مهم دیگری هم بود. اینکه رده‌لاحیت‌های سیاسی در انتخابات فاجعه تمام‌عیاری بوده که چرخ روزگار به بهترین شکل ممکن واقعیت آن را نشان داده است. کسی که وزیر بوده، رئیس صداوسیما بوده، نماینده و رئیس مجلس بوده، در مقام نامزدی ریاست جمهوری با عنوان مدیر و منبر نبودن، رده‌لاحیت می‌شود؛ ولی چندی نمی‌گذرد که در حساس‌ترین برهه تاریخی کشور دبیری و مدیریت مهم‌ترین نهاد کشور را عهده‌دار می‌شود. همانگونه که گفته شد، آقای لاریجانی فرصت زیادی برای جلب اعتماد عمومی به‌ویژه نخبگان جامعه ندارد؛ چون اغلب اینها ذهنیت‌هایی دارند که می‌توانند بیهود یابند. به نظر می‌رسد نقطه آغازین برای رسیدن به این هدف، اصلاح رویکرد رسانه‌ای شورای عالی امنیت ملی و ساختار سیاسی است. چه در مورد صداوسیما و چه درباره فضای مجازی و فیلترینگ‌های اعصاب‌خردکن و بی‌فایده و حتی زیانبار برای امنیت ملی ایران. اکنون در آستانه «روز خبرنگار» هم هستیم. تقارن این انتصاب و این روز را به فال نیک می‌گیریم و امیدواریم که با اصلاح رویکردهای مدرسانه‌ای موجود، بتوانیم شاهد تغییرات مثبتی باشیم. رویکرد رسانه‌ای ساختار سیاسی تاکنون، برآمده از نگاه سنتی به سیاست و جامعه بوده است. آقای لاریجانی برخلاف گذشتگان حداقل از نظر تحلیلی با مبانی فکری رویکرد جدید سیاسی آشنایی کافی دارند و می‌توانند سود و زیان‌های آن را بهتر برآورد کنند.